



فرزاد جهان بین

انقلاب اسلامی و چشم انداز آینده

برای پرسش از آینده جمهوری اسلامی باید چند نکته مهم را مورد ملاحظه قرار داد:

نکته اول این که آینده‌پژوهی به دنبال طیفی از آینده‌هاست. پرسش از آینده و به تعبیری، آینده پژوهی به دنبال کشف و شناسایی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است تا از این طریق، فهم ما را نسبت به آینده مجهول توسعه دهد. لذا ما نه به دنبال پیش بینی بلکه به دنبال ارائه طیفی از آینده‌ها هستیم تا با ارائه تصویری روشن‌تر و جامع‌تر از آینده از اصل غافلگیری جلوگیری شود. اگر چالش‌ها و نتایج از حاصل از چالش‌ها مورد توجه قرار نگیرد می‌تواند به تهدید و بحران و آسیب تبدیل شود.

نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی

تحلیل ما از آینده انقلاب اسلامی ایران در نسبت مستقیم با تعریف ما از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و رابطه آن دو دارد. بر این اساس دو فرض را می‌توان مطرح کرد: فرض اول: نظام جمهوری اسلامی متکفل تحقق اهداف انقلاب اسلامی است.

فرض دوم: انقلاب اسلامی تمام شده و یک نظام تاسیس شده است و لازم است مانند یک نظام سیاسی متعارف و نه انقلابی عمل کند. در این فرض گروهی هستند که بیان می‌کنند باید سیاست‌های اعلامی، انقلابی باشد اما سیاست‌های اعمالی، پراگماتیک و عملگرایانه باشد اما گروهی نیز معتقدند که حتی شعارها نیز نباید انقلابی باشد.

بی شک انقلاب اسلامی دستاورد‌های خرد و کلانی را داشته است که از جمله مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، تاسیس نظام جمهوری اسلامی است و مهم‌ترین رسالت جمهوری اسلامی نیز باز تولید اهداف انقلاب اسلامی است. نگاهی به اصول قانون اساسی به وضوح حاکی از این امر است. بر پایه این فرض که همان فرض اول است بحث را پیش می‌بریم.

بر این اساس در ابتدا اشاره ای می‌کنیم به آنچه که انقلاب اسلامی به دنبال آن بود به عبارتی در ابتدا باید به این سوال پاسخ دهیم که انقلاب اسلامی چه بود و به دنبال چه می‌گشت و در ادامه ضمن بررسی دستاوردها از یک سو و چالش‌ها از سوی دیگر سعی نماییم تحلیلی از وضعیت آینده ارائه دهیم.

در قانون اساسی، بر نفی هر گونه ستمگری، ستمکشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری با هم تاکید می‌شود و اتکا به آراء عمومی در اداره‌ی کشور و مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت خویش همراه با اصل ابتناء کلیه قوانین بر دین می‌باشد.

اهداف کلان انقلاب اسلامی

شعار اساسی ملت ایران را می‌توان در شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" و یا "استقلال، آزادی جمهوری اسلامی" دید. امام راحل رحمته الله علیه مسأله اساسی را نه تغییر یک رژیم و روی کار آمدن رژیمی دیگر بلکه نشر توحید در عالم می‌دانند و این انقلاب را نه برای کشور و نه برای به دست آوردن یک حکومت بلکه برای نجات بشریت از طریق حاکمیت اسلام می‌دانند و بر این اساس که انقلاب ایران به دنبال طرح ریزی مدلی جدید مبتنی بر اسلام است بیان می‌دارند که پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام بر خورد قاطع اسلامی با لیبرالیسم و کمونیسم را به دنبال خواهد داشت. مقام معظم رهبری نیز انقلاب اسلامی را نه یک حادثه منطقه‌ای بلکه یک واقعه تاریخی و آغاز یک عصر جدید و به مثابه "روزی نو" برای ملت‌های مسلمان جهان می‌دانند.

از این رو همچنان که در تعابیر امام راحل رحمته الله علیه وجود دارد و مقام معظم رهبری نیز در این باره به تفصیل سخن گفته اند، خط کلی و چشم انداز از انقلاب اسلامی، تحقق تمدن نوین اسلامی است.

تلاش برای درانداختن طرحی نو و ایجاد صورت بندی زندگی اجتماعی بر اساس دین مسأله‌ای است که به وضوح آن را در قانون اساسی می‌توان یافت. به عنوان نمونه در قانون اساسی آمده است: "تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا وساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خود سازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در اداره‌ی کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد."

به عبارتی در این منطق، رشد اقتصادی می‌باید همراه با خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی باشد. همچنین بر پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی تاکید می‌شود که به منظور ایجاد رفاه از سویی و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت و کم کردن فاصله طبقاتی تاکید می‌نماید.

یا در اصل ده قانون اساسی تاکید می‌گردد که هیچ یک از برنامه ریزیه‌ها نباید موجب گردد که نهاد خانواده تضعیف شود و این دقیقا در نقطه مقابل دیدگاهی است که با اصالت دادن به تولید ناخالص داخلی، خانواده را فرو می‌پاشاند.

در قانون اساسی، بر نفی هر گونه ستمگری، ستمکشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری با هم تاکید می‌شود و اتکا به آراء عمومی در اداره‌ی کشور و مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت خویش همراه با اصل ابتناء کلیه قوانین بر دین می‌باشد.

انقلاب اسلامی و آینده‌ی پیش‌رو

اینک پس از ذکر این مقدمات با توجه به دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف و چالش‌های روبروی انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی، علم و فناوری بلاشک جمهوری اسلامی در چشم انداز آینده دارای فرصت‌های مهم برای حل هم چالش‌های اساسی است که لازم است با تشریح آن‌ها، آینده پیش رو تبیین گردد. در نظریه توازن دوکفه‌ای سازمان به عنوان منبع قدرت، دارای سه ویژگی هست. مهم‌ترین و نخستین ویژگی، توازن دوکفه‌ای آن است. سازمان فقط در صورتی موفق به کسب اطاعت بیرونی می‌شود که اطاعت درونی را به دست آورده باشد. ثبات و اعتبار و قوت و استحکام بیرونی‌اش منوط به قوت و استحکام اطاعت درونی آن است. این نظریه در آناتومی قدرت قابل تحلیل است که به زبان ساده می‌گوید که وقتی یک حاکمیت در ساختار داخلی قدرت خود از انسجام برخوردار نیست، نخواهد توانست آن طور که باید به اعمال قدرت در بیرون از این ساختار بپردازد. بارزترین و مهم‌ترین خصیصه‌ی سازمان، توازن دوکفه‌ای آن است و شگفتا که اغلب هم همین خصیصه بیش از همه نادیده گرفته می‌شود. گفتیم که فرد تسلیم هدف‌های مشترک سازمان می‌شود و از همین اعمال قدرت درونی است که قدرت سازمان برای تحمیل ارادهاش به خارج پدید می‌آید. هریک از این دو کفه وابسته به دیگری است. خصیصه‌ی ثابت هر نوع اعمال قدرت سازمان یافته همین است. بر این اساس به نظر می‌رسد چالش‌هایی که منشأ خارجی دارد و از آن به عنوان "مزاحمت" یاد می‌کنیم نمی‌تواند تاثیر جدی بر آینده انقلاب اسلامی بگذارد کما اینکه توفیقات فراوان این سال‌ها با وجود همین دشمنی لاینقطع به دست آمده است اما چالش‌هایی که منشأ داخلی دارد حرکت تند یا کند بودن انقلاب را به سمت آینده روشن رقم خواهد زد.

این چالش‌ها را می‌توان از جهت زمانی به دو سطح تقسیم کرد. چالش‌هایی که حل آنها زمان بر است اما غفلت از آنها اثر غیر قابل جبرانی خواهد داشت مانند چالش‌های فکری پارادایمی. این چالش‌ها به خاطر زمان بر بودن معمولا مورد غفلتند در حالی که در دراز مدت تعیین کننده اند. یا بخشی از چالش‌های ساختاری که لازم است ساختارها اصلاح شوند.

اما بخش دیگری از چالش‌ها می‌تواند در کوتاه مدت علاج شود و باید علاج شود مانند چالش‌های مدیریتی که متاسفانه در موارد متعددی، اشکالات موجود ناشی از ضعف مدیریتی است. البته علاج خود این‌ها تا حدودی به حل مسائل دیگری مانند عدالت در گزینش سیاسی بستگی دارد.